

# فرزند کاک ماهنامه



شماره پهل و نهم

مرداد ماه ۱۴۰۲

فرزندان کاک

ماهنامه

## فهرست مطالب

- ۴..... ناباور باشید.....
- ۷..... تاریخچه موسیقی (بخش اول).....
- ۱۴..... دزد را بگیر.....
- ۱۶..... آگاهی انسانی (بخش آخر).....
- ۱۹..... آشنایی با دوره‌های حیات انسان (بخش آخر).....
- ۲۱..... انواع بیماری‌های شبکیه چشم و علل آنها (بخش اول).....
- ۲۴..... گزیده‌ای از شراب ناب.....

شماره پهل و نهم

مرداد ماه ۱۴۰۲



# نا باور باشید



زندگی آگاهانه با خدا توسط دانش بشر کشف نخواهد شد. بشر نمی‌تواند در وضعیتی زندگی کند که به آنچه می‌اندیشد و باور دارد، اهمیت ندهد؛ زیرا در حیات و فیض خدا چنین ارزش‌هایی اهمیتی ندارد.

بیشترین قدرت خداوند در سادگی او است. او آن‌چنان نسیم‌وار و ساده، هستی دارد که کسی نمی‌تواند آن را باور کند.

سکوت خدا چون معما می‌ماند، هر کس به روشی به دنبال کشف راز و رمز آن است، اما همگی در بیراهه‌اند؛ چون او آن‌چنان در سکوتی ساده خفته است، که باور کردن آن غیر ممکن است.

واقع‌گرایی بلای اسارت بشر است. او به جز واقعیتی در بُعد زمان، مکان و انرژی چیزی را نمی‌پذیرد، در حالی که روح حقیقت‌جو می‌داند بُعدی به نام زمان و مکان، توهمی ساخته‌ی ذهن انسان است.

نکته‌ی واقعیت و حقیقت در تفاوت آنها است. واقعیت می‌گوید بنگر این واقعی است و غایت، اما حقیقت می‌گوید همه چیز ناکامل است، خداوند، غایت و ما تنها بخشی از حقیقت او هستیم.

جهان واقعیت‌ها مملو از خواب بی‌خدایی است، اما جهان حقیقت‌ها بخشی از حقیقت خدا را متجلی می‌کند.

فلسفه زندگی باطنی  
باطن‌نامه





# نا باور باشید



اگر بر این باورید خداوند را می‌توانید در جهانی دیگر ملاقات کنید، سخت در اشتباهید؛ چون اساساً خداوند در جهان خاصی وجود ندارد، بلکه تمامی جهان‌ها بخش‌های مختلف آگاهی لایزال او هستند. این دریافت و رویت آگاهی او تنها با روح در حال ارتباط است، اما نکته این است که آگاهی الهی در تمامی جهان‌ها منشعب شده است. تماماً به صورت یک واحد آگاهی در وجود روح هستی دارد. روح نیز همان خویش برتر شما است.

هیچ وقت بر این باور نباشید خدایی وجود دارد که شما را می‌نگرد و قضاوتتان می‌کند، زیرا خدا وجود ندارد. کلمه‌ی به وجود آمدن حاکی از خلق شدن است، چیزی که نبوده و حالا هست، و این خطاست،

بلکه او هست و شما در هستی او زنده‌اید و حیات دارید؛ حیاتی جاودانه که شما در حیاتش خلق شده‌اید. او عشق است، همان جاذبه‌ی عظیم قلبتان. هرگز فکر نکنید صرفاً به خاطر باورهایتان خدا را خواهید یافت. هرگز به جز خدا به چیزی باور نداشته باشید، چون او تمامی باورهایتان را به خاکستر تبدیل می‌کند. هرگز در مرحله‌ی باور، ایمان و اعتقاد به خدا توقف نکنید، چون کاملاً برای او تمامی این باورها بی‌اهمیت است. هیچ کس نمی‌تواند خدا را بیابد، مگر این که بتواند با نور و صوتش، خصوصاً صدای سکوت وارش عجین شود.



فهرست مطالب  
باشید



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۴



# ناباور باشید



اگر قرار بود خداوند تنها با واسطه یک شخص و مجرای یک فرد با مخلوقاتش سخن بگوید، دلیلی برای خدا بودنش وجود نداشت. تنها ابلهان باور می کنند که او از خاصیت فردی یک شخص برای تجلی خود استفاده می کند.

به کسی که خدا را نادیده می گیرد یا باور ندارد، خرده نگیرید، چون خود اوست (خدا) که از مسیر ناباوری در حال تعلیم و حفاظت اوست .

برخی به خدا عشق می ورزند ....

برخی به او ایمان و اعتقاد دارند ...

برخی او را نادیده می گیرند ....

و برخی او را باور ندارند ....

به شما می گویم آنها همگی بخشی از زبان الهی هستند که خداوند با شما گفتگو می کند.

خدا آن است که باور دارید، اما فهم کنید خداوند فراسوی باورهایتان همیشه با شما است. پس دیوار باورهایتان را کوتاه تر کنید و به منزل دل رجوع کنید، چون اوست که در تمامی باورها و ناباوری های مخلوقاتش هستی دارد و به همه حیات را ارزانی می دارد.

فهرست مطالب  
پانزدهم



صفحه ۵



# نا باور باشید



تناقض میدان رزم معنوی شماست. آنچه می‌پسندید، نمی‌پسندد، آنچه باور دارید نادیده می‌گیرد و آنچه که می‌خواهید، به شما نمی‌دهد. اما زمانی که در این رزم معنوی خویش برتر خود را تجربه کنید می‌بینید هر آنچه بود و نبود است، تنها خدا بود. آنکه او را باور دارد یا ندارد، آنکه به او عشق می‌ورزد و آنکه به او ایمان دارد و اعتقاد می‌ورزد، تماماً خود اوست که با زبان ساده با شما سخن می‌گوید. او آن است که هست ...



زمانی که در روئیت‌های الهی سهم شوید، خواهید دید همه‌ی آنچه هست در نبض قدرت عشق ازلی سوگماد است. آن زمان در او بیدار شدید، هر چه دست آویز و باور است، رها خواهید کرد و در مقابل قدرت ابدی او تسلیم خواهید شد که تنها استاد اوست و دیگر هیچ....

یکبار سفیر روحی گفت: «در رودخانه‌ای که از آن شناخت ندارید، شنا نکنید. این همان درس شک و تردید به واقعیت‌های این جهان است. آن را باور نکنید.»

گزیده‌ای از کتاب سکوت مقدس خدا

نویسنده: کاتب

فهرست مطالب  
پانزدهم





# تاریخچه موسیقی

(بخش اول)



تحقیق و بررسی در مورد منشاء موسیقی، اهمیت زیادی دارد، زیرا به شناخت علایق و فرهنگ و تمدن‌ها، همچنین شناخت گرایش‌های درونی انسان، کمک فراوانی می‌کند. طبق کاوش‌های باستان‌شناسان و محققان از سازهای بسیار ابتدایی، اما شگفت‌انگیز که با مهارت بسیار ساخته شده، در می‌یابیم که انسان، همواره با موسیقی و رقص، عجین بوده است.



مبدأ و پیدایش موسیقی را نمی‌توان به زمان و یا اقوام خاصی نسبت داد، اما با بررسی تاریخچه‌ی آن، متوجه می‌شویم که موسیقی به ابتدای خلقت انسان باز می‌گردد.

طبیعی‌ترین وسیله، آواز انسان در همراهی با طبیعت و صدای برهم زدن دست‌ها به طوری که ریتم به خصوصی مطابق با فرهنگ را دارا باشد، نغمه‌ای ایجاد می‌کرده است که هنوز هم در قبایل بدوی و ابتدایی وجود دارد.

برخی از محققان، کوبیدن پا به زمین را ابتدایی‌ترین وسیله در موسیقی می‌دانند. ساختن از ساقه‌های مختلف گیاهان و استخوان حیوانات و حتی انسان‌ها، ساخت انواع طبل‌ها از پوست حیوانات، نشانی از علاقه و اشتیاق انسان به موسیقی بوده است.

فهرست مطالب



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۷



# تاریخچه موسیقی

(بخش اول)



هر چه جوامع گسترده تر شد و انسان به ابزارهایی پیشرفته تر دست یافت، ساخت سازها و آلات موسیقی را نیز تکامل بخشید. انسان آنچه در درون داشت به واسطه موسیقی، آواز و شعر، به دنیای بیرون ارائه می داد و در این باب نیز همچون دیگر علایق خود، خدایان خود را نیز مشارکت می داد و سازها نیز مزین به تصاویری از الهه ها و ایزدها بودند. اشخاصی که در معابد و مکان های مقدس فعالیت داشتند از طبقه ای اجتماعی بسیار والایی برخوردار بودند.



یونانیان باستان با چنگ و آواز به شکرانه ای محافظت، سلامتی و سالی پربرکت به استقبال خدایان خود می رفتند.

در ژاپن زمان خسوف و کسوف، خواندن آواز و نواختن موسیقی از دیرباز مرسوم بوده است، زیرا معتقد بودند خدای خورشید با موسیقی، روشنایی را به کشور آنان بازمی گرداند.

در آمریکای شمالی قبایلی هنوز بر این باورند که موسیقی از جانب خدایان برای آنها فرستاده شده است تا شعر و آواز همواره زنده و پابرجا باشد.



فهرست مطالب



فهرست مطالب



صفحه پایانی

صفحه ۸





# تاریخچه موسیقی

(بخش اول)



هنوز در قبایل و کشورهای بسیاری با رقص و پایکوبی به استقبال جنگ می‌روند، زیرا بر این باورند نیرویی که از موسیقی می‌گیرند، روحیه دلاوری و جنگجویی را در آنها بر می‌انگیزد. همچنین در ایران باستان نیز، روحیه این چنینی در مورد موسیقی وجود داشته است.



طبل‌ها و شیپورها نیز ادوات جنگی مهمی محسوب می‌شدند. هنوز هم موسیقی هر کشوری مخصوص به خود و گویای افتخارات، ستایش و میهن‌پرستی یک ملت محسوب می‌شود.

کرنا یا شیپور یکی از سازهای مهم در ایران باستان بوده و مربوط به هخامنشیان است که به آن ساز بزرگ و یا ساز جنگ می‌گفتند.

به گفته‌ی گزنفون، صدای ساز کرنا، به دستور کوروش بزرگ آغاز نبرد بود.

گفته شده شیپور یا همان کرنا بیدار باش برای سربازان جوان بوده که آنها را برای تمرین نظامی فرا می‌خواندند.

این ساز که بعدها، زمان سلام دادن و وداع با خورشید (طلوع و غروب آفتاب) نیز استفاده شد، به مرور زمان تبدیل به نقاره‌زنی و ساز مذهبی شد که امروزه نیز شاهد آن هستیم.



فهرست مطالب





# تاریخچه موسیقی

(بخش اول)



در مجسمه و مهنرنگاره‌های کشف شده در ایران نقوشی از رامشگران و بزمی از خنیاگرانی را می‌بینیم که باستان‌شناسان، آنها را نخستین دسته‌ی خنیاگران (ارکستر) جهان می‌نامند.

در دست این نوازندگان چنگ، شیپور و تنبک به چشم می‌خورد. در این گروه خواننده‌ای به سبک زیبایی نشسته و آواز می‌خواند. در میان ادیان کنونی، موسیقی زرتشتی در ایران، تأثیر بسیاری بر دیگر ادیان داشته است؛ مثلاً سروده‌هایی از اوستا و گاتاها که آن را منسوب به زرتشت می‌دانند، همواره با موسیقی همراه بوده است، گرچه امروزه برخی از آنها به دست فراموشی سپرده شده، اما متون تاریخی نشان می‌دهد قبل از حمله‌ی اعراب به ایران، سروده‌های بسیاری از کتب زرتشتی، ترانه‌هایی بر طبق آیین و رسوم و اقوام گوناگون با موسیقی و ملودی خاص، اجرا می‌شده است. در دوره‌ی ساسانیان موسیقی رونق فراوانی داشت و سروده‌های مذهبی زیر نظر مؤبدان انجام می‌شد. در آن دوران بود که موسیقی‌دانان برجسته‌ای همچون باربد، نکیسا، بامشاد و رامتین به شکوفایی رسیدند. باربد، موسیقیدان و ترانه‌سرای ایرانی در دربار خسرو پرویز بود که در شاهنامه‌ی فردوسی نیز از او یاد شده است.

فهرست مطالب

اوامه دارد...



صفحه ۱۰



## پازل‌های اکویدیا - درس صبر و شکیبایی



مجدداً در حال اقدام برای رفتن از ایران بودم. وقتی ۶ سال قبل به ایران برگشتم و قید اقامت دانمارک را زدم، به خودم می‌گفتم: «زندگی در ایران برای من از همه جا بهتر است. من دیگر ایران را ترک نخواهم کرد»، در حالی که حتی همان موقع، تمامی نشانه‌ها برای من به سمت رفتن از ایران بود.



یک بار معلم توضیح دادند که وقتی کارمایی تمام می‌شود، هرگز نباید سراغش رفت. به نظر می‌آمد کارمای من با ایران تمام شده بود، اما با برگشت دوباره به ایران، کارمایی که تمام شده بود را بیدار کردم.



الان متوجه این قضیه شدم، اما آن موقع کاملاً تسلیم خواسته‌های خویش کوچک و خوشایندها و ناخوشایندها بودم که ترجیح می‌دادند من کنار خانواده و در حس امنیت و آسایش بمانم. سه سال از برگشتنم گذشته بود که کم‌کم نشانه‌ها شروع شدند. شرکت‌های خارجی که برایشان در سال‌های آخر کار می‌کردم، در اثر تحریم‌های شدید علیه ایران یک به یک بسته شدند و رفتند. دیگر نشانه‌ها واضح بودند؛ روی هر چیزی که دست می‌گذاشتم یا انجام نمی‌شد، یا تعطیل می‌شد.

فکر روزگار  
با همه سنگین





## پازل‌های اکویدیا - درس صبر و شکیبایی



بعد از مدتی شروع به بررسی گزینه‌های مهاجرت کردم و این همزمان با یادگیری علم اکویدیا و تمرین کارگاه‌های معلم کمال بود که از این طریق توانستم به کانادا برسم که مسیر دانشجویی به نظرم گزینه خوبی می‌آمد. الان که به گذشته نگاه می‌کنم، می‌بینم که چندین بار خیلی واضح برایم به شکل‌های مختلف قرائت شده بود که ویزای دانشجویی برای من مناسب نیست و می‌بایستی صبر می‌کردم.



حتی یک بار از یک شرکت مهاجرتی با من تماس گرفتند و شرایط من را پرسیدند و گفتند که نمی‌توانی از طریق دانشجویی اقدام کنی و امکان اخذ ویزا وجود ندارد. از طرف دیگر اکویدیا واضح کشور کانادا را نشان می‌داد. مقصد را درست فهمیده بودم، اما مسیر را نه. کارهای لازم را شروع و دانشگاه مورد نظرم را انتخاب کردم. پذیرش دانشگاه و گرفتن وقت مصاحبه از سفارت برایم مثبت شد. دیگر مطمئن و سرمست از راه و مقصدی که اکویدیا نشانم داده بود، منتظر ویزا بودم. همچنان هم اکویدیا واضح مقصد کانادا را نشانم می‌داد.

مطمئن بودم که مقصد آنجا است. «اکویدیا به من می‌گوید، قطعاً می‌شود». در فاصله‌ای که به نظرم همه چیز خوب پیش می‌رفت، پاسخ ویزای من از سفارت منفی اعلام شد. یادم می‌آید که شوکه شده بودم و با چشم‌های گردشده از تعجب، فقط به ایمیل نگاه می‌کردم. «پس این همه قرائت‌های اکویدیا چه بودند؟! مگر می‌شود؟! یعنی چه؟ الان چه کار کنم؟ آیا قرائت‌ها اشتباه و سرکاری بودند؟!»

هر دفعه از روش‌هایی که یاد گرفته بودم، از استاد درون این سوال را می‌پرسیدم. این قسمت داستان که پس باید از طریق دانشجویی بروم کاملاً ساخته ذهنم بود و پیام‌های منفی اکویدیا را متوجه نمی‌شدم.

فهرست مطالب





## پازل‌های اکویدیا - درس صبر و شکیبایی



بعد از دو سه روز شوکه شدن و اینکه نمی‌دانستم چه کار کنم، به استاد درون گفتم: «من نمی‌دانم باید چه کار کنم. الان شما به من بگویید». من گیج شده بودم. از یک طرف جواب منفی بود و از طرف دیگر نشانه‌ها همچنان به سمت کانادا بود.



همین روزها بود که سر و کله‌ی نشانه‌های صحیح قرائت اکویدیا پیدا شد و پازل‌های من کنار هم چیده شدند و شکل گرفتند. از یک شرکت کانادایی از ناکجا آباد با من تماس گرفتند و پیشنهاد مصاحبه کاری دادند. بعد از آن بلافاصله استخدام شدم و به صورت آنلاین و ریموت شروع به کار کردم.

به آنها گفتم که قصد مهاجرت به کانادا را دارم. آنها هم در کمال ناباوری با درخواست من موافقت کردند و پروسه درخواست ویزای کاری من به کانادا به اجرا درآمد. کم‌کم پازل‌های اکویدیا برایم چیده شدند و در نهایت، کمتر از یک سال ویزا برایم صادر شد.

به دو سال گذشته که نگاه می‌کنم، انگار پازل‌هایی که برایم برعکس بودند را یکی یکی پشت و رو می‌کنم و نقش کامل شده‌ای را می‌بینم که گویای این است که مسیر اک مسیر تسلیم، اعتماد، صبر و شکیبایی است. تنها راه و مسیر موجود، سپردن خودمان به اک است تا در زمان‌هایی درست که خودش می‌داند، اتفاقاتی را که باز هم خودش می‌داند، برایمان رقم بزند. تسلیم و اعتماد...

بی‌هاکرا

فصل دوم از کتاب  
با اعتماد  
به خدا



صفحه ۱۳



# دزد را بگیر

داستان کوتاه



زمستان بود و هوا بسیار سرد بود. در کارگاه مجسمه سازی کار می کردم که بیرون از شهر بود، همین باعث شده بود سرمای بیشتری را تحمل کنم. برای گرم کردن اتاق و محیط کارگاه نیاز به گازوئیل بود. بیرون از کارگاه پشت درب، یک منبع ۱۰۰۰ لیتری از گازوئیل داشتیم. مدیر کارگاه گفته بود ۱۰۰۰ لیتر برای زمستان کافی است. پس من باید صرفه جویی می کردم.

کار من نگهبانی از آن کارگاه بود؛ یک نگهبان ۲۴ ساعته. یک روز که داشتم بخاری ها را با گازوئیل پر می کردم، استاد درون به آرامی گفت: «دزد را بگیر». اولین سؤالی که به ذهنم آمد این بود: «دزد؟ مگر قرار است دزد به کارگاه بیاید؟».

حدود یک هفته گذشت. یک شب در رؤیا دیدم دونفر دزد مشغول دزدیدن گازوئیل ها هستند. این نشانه ی واضحی از استاد درون بود. کم کم قضیه برایم جدی شد و تصمیم گرفتم بیشتر مراقب باشم.



فصل دزد را بگیر  
داستان



فهرست مطالب



صفحه ی پایانی

صفحه ۱۴



# دزد را بگیر

داستان کوتاه



چند روز گذشت. یک شب از جسم خارج شدم. در محوطه کارگاه بودم. سر و صدای بیرون توجهم را جلب کرد. با کالبد روح پرواز کردم و درست بالای سر دزدها قرار گرفتم. آنها مشغول دزدیدن گازوئیل‌ها بودند. استاد درون گفت: «به آنها نزدیک شو». نزدیک شدم و صورتم را مستقیماً روبه‌روی آنها قرار دادم.

ناگهان آنان از ترس فریاد زدند: «وای جن ... جن ... جن ...».

آنها از ترس فرار کردند و هیچ‌وقت به گازوئیل‌های کارگاه ما نزدیک نشدند. یک هفته گذشت. روزی یکی از آنان را دیدم که با ترس به من نگاه کرد. گفت: «تو اینجا کار می‌کنی؟».

گفتم: «بله».

گفت: «مراقب باش، اینجا جن دارد».

بله، استاد درون بهترین انتخاب را برای مقابله با دزدها برای من تعیین کرد؛ انتخابی که باعث شد آنان و من محافظت شویم.

در این سیاره هر کسی درسی دارد؛ چه دزد باشد، چه یک انسان خوب. برای اک و استاد درون تفاوتی نمی‌کند، بلکه او به روش‌های مختلفی از تمامی مخلوقات محافظت می‌کند.

نویسنده: کاتب  
برکت باشد

ما هفتاد و یک روز از اینک



صفحه ۱۵



# آگاهی انسانی

(بخش آخر)



ضمیر ناخودآگاه آخرین لایه از آگاهی انسانی می‌باشد.

وضعیتی که نقش تغذیه‌ی آگاهی انسانی را به وجود می‌آورد، ضمیر ناخودآگاه است که تنها دیواره و لایه‌ای است که میان آگاهی انسانی و خودآگاهی قرار دارد؛ مثال سدی است که در پشت آن دریاچه قرار گرفته و از طریق دریاچه‌های آن آب جاری می‌شود.

ضمیر ناخودآگاه دارای سه بخش اصلی است:

- مخازن انرژی انسانی

- تأثیرات اصلی ابتدایی

- سانسورگر

همان‌طور که گفته شد، به علت ظرافت خاصی که انرژی روح دارا است، ابتدا لایه‌ی اتری را می‌پوشد و بنا به ظرفیت این بخش، انرژی خام نگهداری می‌شود تا بعد از تبدیل به دو قطب مثبت و منفی در مخازن ذهن جاری شود، درست به مانند پمپ بنزین و ماشین.

قسمت دوم ضمیر ناخودآگاه، تأثیرات اصلی و ابتدایی انسانی است؛ از جمله خواب، گرسنگی، تشنگی، تغذیه و عادات ناخودآگاه که شامل بر عادات کودکی و رفتارهای غیر مترقبه است.



فلسفه زندگی  
با همت نامت



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۶



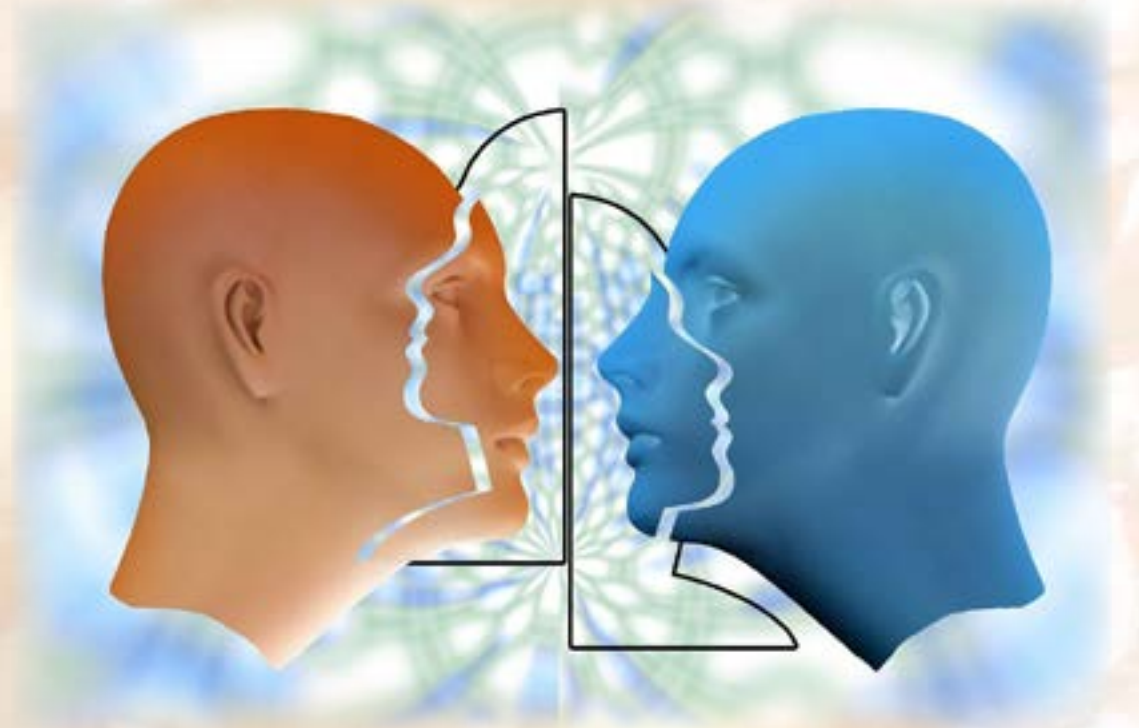


# آگاهی انسانی

(بخش آخر)



قسمت سوم، سانسورگر است که نقش مهمی در چگونگی رشد و شکوفایی هر فردی را ایفا می‌کند. این بخش از سیستم بینش انسانی، تمامی پیام‌های درونی را با توجه به خواسته‌ها و داده‌های خود به ذهن انتقال می‌دهد و خودخواسته در خصوص تمامی زندگی یک فرد قضاوت و تصمیم اتخاذ می‌کند.



عملکرد سانسورگر، خودکار است. مخازن انرژی این لایه دارای قدرت عظیمی در خصوص تأثیرگذاری بر ماده می‌باشد و تمامی عملیات مرتاض‌ها و بسیاری از اعجاز بزرگان به دلیل دست‌یافتن به مخازن عظیم این انرژی است. معجزات و سایر اعمال خارق العاده‌ای که انسان به آن دست یافته از طریق استفاده از این مخازن عظیم انرژی است، هرچند که مخازن ضمیرناخودآگاه دارای قدرت بیشتری نسبت به مخازن ذهن است. استجابات دعا نیز از این بخش صورت می‌گیرد.

فهرست مطالب



صفحه ۱۷



# آگاهی انسانی

(بخش آخر)



انرژی ضمیر ناخودآگاه نسبت به هر طبقه و جهان‌های الهی برابر با ساختار و آفرینش آن متجلی است. نظریه پردازانی که روح را منکر هستند، هیچ شناختی از این انرژی ندارند و بسیاری نیز با شناخت این انرژی تمامیت مطلق را متعلق به آن می‌دانند، در حالی که این ترفند ذهن است، زیرا که ذهن هیچ وقت به وضعیت آگاهی روح نایل نخواهد شد؛ به این علت که ظرفیت آن را ندارد و چون جامی می‌ماند که در صورت پر شدن لبریز می‌شود و گنجایش آن را ندارد.

در اینجا است که می‌باید ظرفیت این ماشین خودکار را شناخت و به آن آگاه بود و به اندازه ظرفیت آن، انرژی در اختیار آن قرار داد؛ زیرا که ذهن به هیچ عنوان قابل اعتماد نیست، مگر در صورتی که کنترل آن توسط روح قرار گیرد و در غیر این صورت تحت انگیزش مخازن خود قرار خواهد گرفت و روح همچنان در وضعیت الهی خود باقی است.

در اینجا است که علت سرگردانی و انحطاط بشری با اعتماد به این ماشین به وجود می‌آید، در حالی که روح هیچ اهمیتی به آن نمی‌دهد.



فلسفه زندگی  
با اعتماد  
به ماشین

پایه



فهرست مطالب



صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۸



(بخش آخر)

# تأثیر ماه‌دوره‌های حیات زنانه



## فلز جیوه

این فلز آخرین از فلزات سه در سه یا دوره‌ی ثلاثه‌ی اسیوکوئیس است. تأثیرات این فلز از دوره‌ی اوتورات (ماه فوریه، ۲ ابهمن تا ۱۰ اسفند)، ماه حجرالدم، گرفته شده است. کسانی که بیش از دیگران از این عنصر تأثیر گرفته باشند، در می‌یابند که نمادی از عشق و آزادی در زندگیشان است، معه‌ذا از طبیعتی سیال برخوردار هستند و این به دلیل خاصیت مایع بودن این فلز است. جیوه یک عنصر فلزی است که در حرارت معمولی در حالت مایع می‌باشد. به علت تحرک و سطح صیقلی که دارد، توسط کیمیاگران تا قرن ششم تقره‌ی روان نامیده می‌شد. هندوها و چینی‌ها این فلز را از دو هزار سال پیش از میلاد می‌شناختند.



فهرست مطالب  
پایان



فهرست مطالب



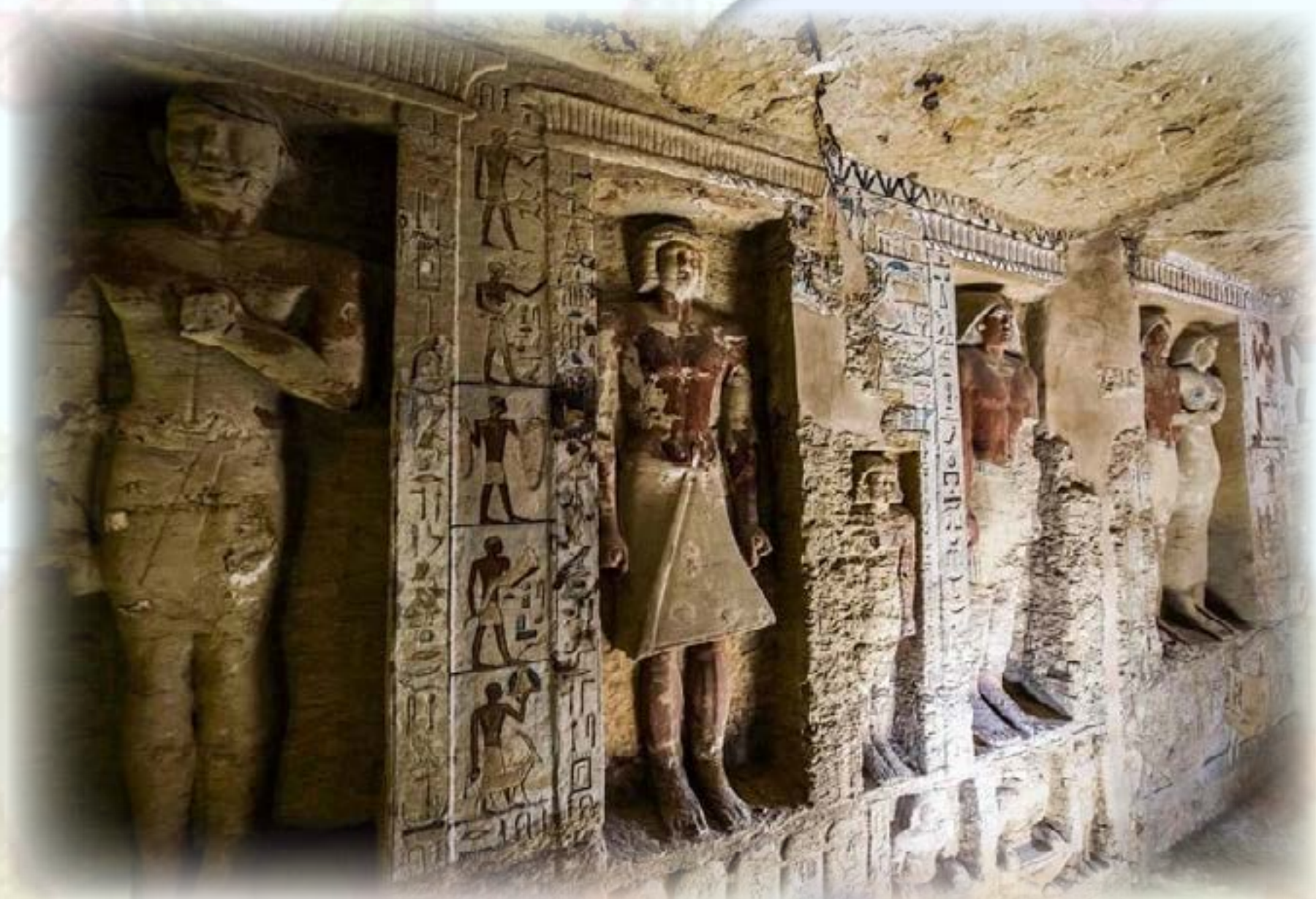
صفحه‌ی پایانی

صفحه ۱۹



(بخش آخر)

# تأثیر ماه‌های حیات انسان



در گورهای فرمانروایان مصری مقارن با ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد نیز جیوه کشف شده است. همان‌طور که پیشتر اشاره شد، کسانی که از این عنصر تأثیر گرفته باشند در عقاید خود نسبت به عشق و آزادی بینش بی‌تکلفی دارند. از آنجایی که جیوه با اندک حرارتی بخار می‌شود و با سرمای کمی به حالت مایع برمی‌گردد، این‌گونه اشخاص نیز همانند جیوه در یک چشم‌به‌هم‌زدن تغییر روحیه می‌دهند و در میان دو قطب عشق و نفرت در حال نوسان هستند. دوستان در اطراف آنان با مراعات رفتار می‌کنند، زیرا که از این تغییر خلق آنان آگاهند.

پایان

فهرست مطالب



صفحه ۲۰



# انواع بیماریهای شبکیه چشم و علائم آنها (بخش اول)



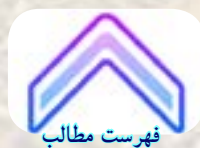
شبکیه‌ی چشم لایه‌ی بافتی نازکی است که در قسمت درونی و ناحیه‌ی پشت چشم گسترده شده است. شبکیه در نزدیکی عصب بینایی قرار دارد و عملکرد آن شامل دریافت نور و تبدیل آن به پیام عصبی است. نور ابتدا از ساختارهایی مانند قرنیه، عنبیه، مردمک و عدسی چشم عبور می‌کند و متمرکز می‌شود. تمرکز یا فوکوس نور بر روی شبکیه منجر به تحریک سلول‌های موجود در شبکیه می‌شود. این سلول‌ها نیز نور را به پیام عصبی تبدیل می‌کنند و پیام عصبی از طریق عصب بینایی که در نزدیکی شبکیه است به مغز منتقل می‌شود تا در نهایت، مغز بتواند پیام عصبی را به تصویر قابل درک تبدیل کند.



## بیماری‌های شبکیه‌ی چشم

بیماری‌های شبکیه‌ی چشم شامل انواع مختلفی از بیماری‌ها است که شبکیه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بیشتر آنها منجر به ایجاد علائم در بینایی می‌شوند. بیماری‌های شبکیه‌ی چشم می‌توانند هر بخشی از شبکیه را تحت تأثیر قرار دهند و دارای علائم مختلفی باشند. برخی از بیماری‌های شبکیه‌ی چشم را می‌توان درمان کرد. برخی از بیماری‌های شبکیه نیز وجود دارند که اگر درمان نشوند منجر به آسیب عصب بینایی و در نهایت نابینایی فرد می‌شوند.

فست زیندک  
ماست





# انواع بیماریهای شبکیه چشم و علائم آنها (بخش اول)



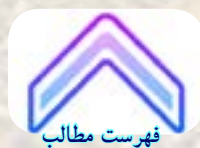
از جمله بیماریهای شبکیه چشم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

پارگی شبکیه چشم: پارگی شبکیه چشم زمانی ایجاد می شود که بافت شبکیه دچار آسیب و پارگی شود، یا یک حفره در آن ایجاد شود. این حالت معمولاً زمانی اتفاق می افتد که زجاجیه به شبکیه چشم می چسبد و با کشیدن محکم آن منجر به پارگی شبکیه چشم می شود. زجاجیه ماده ای ژله مانند و شفاف است که درون چشم را پر می کند.

این فرایند می تواند بخشی از فرایند پیری باشد که در اثر آن زجاجیه کنده می شود و یا در اثر یک سانحه و تروما ایجاد شود. پارگی شبکیه چشم می تواند منجر به تاری دید، فلاش نور و یا مشاهده ذرات معلق در هوا شود. با توجه به اینکه پارگی شبکیه چشم می تواند منجر به مشکلات جدی تری از جمله جدا شدن شبکیه چشم شود، بنابراین لازم است تا هر چه سریع تر درمان شود.



فست روزانه  
ماست



فهرست مطالب



صفحه پایانی

صفحه ۲۲



# انواع بیماریهای شبکیه چشم و علائم آنها (بخش اول)



جدا شدن شبکیه‌ی چشم: شبکیه‌ی چشم در سطح پشتی چشم به لایه‌ای به نام کوروئید (choroid) متصل است. این لایه وظیفه دارد تا اکسیژن و مواد غذایی مورد نیاز شبکیه‌ی چشم را تأمین کند. زمانی که مایعات بدن به هر دلیلی در پشت شبکیه تجمع یابند، این احتمال وجود دارد که شبکیه از کوروئید جدا شود. یکی از دلایل تجمع مایعات در پشت شبکیه، وجود پارگی در شبکیه است. جدا شدن شبکیه مشکلی جدی و خطرناک است و نیاز به رسیدگی اورژانسی دارد و در صورتی که درمان نشود ممکن است بینایی فرد به صورت دائمی از دست برود.

رتینوپاتی: رتینوپاتی زمانی ایجاد می‌شود که رگ‌های خونی در پشت چشم آسیب ببینند. این مسئله منجر به نشت مایعات به اطراف محل آسیب رگ‌ها می‌شود و می‌تواند منجر به تجمع مایعات در پشت شبکیه شود. از جمله بیماری‌هایی که منجر به ایجاد رتینوپاتی می‌شوند می‌توان به دیابت، فشار خون بالا و سرطان اشاره کرد. رتینوپاتی دیابتیک یکی از عوارض شایع مرتبط با دیابت است که منجر به آسیب بینایی بزرگسالان و نابینایی آنان می‌شود.

ادامه دارد...





# گزیده‌ای از شروب ناب



به پنهانی معشوق منم پنهان شدم...

چو عیان شد و من چو ققنوس در آتش پران شدم...

من آن رقصنده عریانش...

که به آهنگ و ساز او، رقصان شدم...



نویسنده: کاتب

فهرست مطالب  
پایان



صفحه ۲۴



## به نام بنی

نشریه‌ی هامسا ماهنامه‌ی فرزندانِ اِک متعلق به بنیاد بنی فرزندانِ اِک می‌باشد. این موسسه در کالیفرنیا آمریکا و چند کشور دیگر به صورت رسمی ثبت شده و دارای مجوز فعالیت می‌باشد. تمامی حقوق معنوی و مادی آثار فرزندانِ اِک اعم از کتاب‌های تالیف و ترجمه شده از جمله کتاب‌های نوشته شده توسط بنیانگذار موسسه، مقالات، سخنرانی‌ها، کارگاه‌ها و ست‌سنگ‌های نوشته شده، متعلق به اِک (بنی) و بنیاد بنی فرزندانِ اِک و متعلق به فرزندانِ اِک است. بنابراین هر نوع استفاده از این آثار بدون هماهنگی با تیم مدیریت بنیاد بنی، تخلف معنوی محسوب شده و پیگیری خواهد شد.

مطالب این شماره‌ی نشریه برگرفته شده از مقاله‌ها و ست‌سنگ‌های واصلین برتر، مهدیس‌ها و آرا‌هات‌های مجموعه‌ی بنیاد بنی، تجارب فرزندانِ اِک، کتاب‌های اِک، سایت‌های ویکی پدیا و سایت‌های علمی می‌باشد که توسط تیم نشریه جمع‌آوری و ویرایش شده است. برخی از مقاله‌ها و مطالب نیز بر مبنای تحقیقات و دریافت‌های فرزندانِ اِک تهیه و تالیف شده است، همچنین بعضی از تصاویر استفاده شده در مقالات توسط فرزندانِ اِک طراحی و ترسیم شده است.

چنانچه شعر، مقاله و یا مطلبی مرتبط با تعالیمِ اِک و یا مطالب نشریه، توسط شما تهیه شده است و مایل به انتشار آن در نشریه هستید، یا مایلید تجارب معنوی شما هم در شماره‌های بعدی نشر گردد، آثار و تجارب ارزشمند خود را به کاربری روابط عمومی در پیام رسان تلگرام ارسال بفرمایید. همچنین می‌توانید نظرات و انتقادات خود را با ما از طریق کاربری روابط عمومی یا ایمیل موسسه در میان بگذارید.

برای آشنایی بیشتر با تعالیم بنی (اِک)، ما را در وبسایت و شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید.

وبسایت بنی ..... [www.Bani-foundation.com](http://www.Bani-foundation.com)

کانال یوتیوب فارسی بنیاد اِک ..... <https://www.youtube.com/.../>

روابط عمومی ..... [T.me/Bani\\_Pr](https://t.me/Bani_Pr)

ایمیل روابط عمومی ..... [Banifoundation.pr@gmail.com](mailto:Banifoundation.pr@gmail.com)

لینک کانال‌های مجموعه ..... <https://linktr.ee/banifoundation>

برکت باشد

